

خبرنامه جنبش

دموکراتیک، سوسیالیستی و اجتماعی مردم ایران



بحران اقتصادی و چالش های جنبش کارگری

طی سالی که گذشت و تا هم اکنون - با نزدیک شدن به فصل بهار و عید نوروز - اعتصابات و اعتراضات کارگری ادامه می یابد. از یک طرف جامعه کارگری جهت صرف هزینه های ماهی آخر عید ناچار به دنبال روش های اعتراضی است تا از طریق آن به مطالباتی همچون سنوات، عیدی و معوقات خود از کارخانجات دولتی و خصوصی دست یابد تا مشکلات عدیده و روزمره خود را پاسخ دهد. و از طرف دیگر در پایان سال و نشستهای متعدد «کارگری، کارفرمایی و نماینده دولت» در مذاکرات تلاش دارد تا بر سر تعیین حداقل حقوق متناسب با میزان تورم به نتیجه برسد، که البته پیشاپیش فعالین کارگری آمیدی به رشد حقوقها متناسب با رشد تورم نداشتند و این مذاکرات را از قبل شکست خورده می دانند. بنابراین جنبش کارگری در سال جدید هم ناچار است تا هم رشد ۳۰ درصدی اقلام و کالاهای اساسی را دوباره تجربه کند و همراستا با مشکلات معیشتی به انتظار تعدیل نیروی کار و ورشکستگی کارخانجات و اخراج باشد. روندی که هر ساله شاهد آن می باشد!

با توجه به وضع نابسامانی که تولید داخلی با آن مواجه است و ناشی از؛ واردات بی رویه از کشورهای دوست جمهوری اسلامی مثل چین و روسیه (که به خاطر حمایت این کشورها از برنامه موشکی، حضور در سوریه و حمایتهای نظامی و مالی از کشورها و گروهانی مثل یمن و حزب الله لبنان و حماس و...)، در کنار واردات صنعتی از بعضی از کشورهای اروپایی مثل فرانسه، آلمان و ایتالیا و... که با توجه به اخباری که در رسانه ها درج می شود، تمام فعالیت اقتصادی فوق به دو بخش عمده تقسیم می شود. صادرات نفت و گاز و پتروشیمی (مواد خام)، و جنگ افزار نظامی همراه با حمایتهای مالی، و از طرف دیگر واردات بی رویه اقلام مصرفی که در هر دو رویکرد نقشی بر حمایت از تولید داخلی دیده نمی شود. در این رابطه کارگران صنعتی بیش از دیگر بخش های کارگری مواجه با اخراج و بیکار سازی هستند. بر اساس آمار رسانه های حکومتی صدها کارخانه تعطیل و کارگران آن اخراج شدند که به این روند می توانیم تعدیل نیروی کار و معوقات در حقوق و سنوات و... که در کارخانجات نیمه فعال دیده می شود را اضافه نماییم. در رابطه با سیاست اقتصادی دولتها و برنامه های نداشته و ضد تولیدی آنان در ایران می توانیم به بخشی از کارخانجات بزرگ بعنوان نمونه اشاره نمایم که در سال ۹۵ از چرخه تولید خارج شده اند. شرکت معروف «داروگر» با عنوان شرکت «سهامی عام کف» با داشتن قدمت ۹۰ ساله در تولید انواع صابون، شامپو و سایر مواد شوینده به دلایلی نا مشخص در سال جاری تعطیل شده است و کارگران این شرکت در سال جاری با درهای بسته این کارخانه مواجه شده اند. بدهی داروگر به بانک ها بیش از ۸۰۰ میلیارد تومان برآورد می شود که این رقم بیش از ارزش دارایی کارخانه است.

کارخانه ارج که از دیگر کارخانجات قدیمی محسوب می شود و به دلیل به روز نشدن ماشین آلات و انتصاب مدیران دولتی به تعطیلی کشیده شد. کارخانه پارس کروم خزر که تولید مواد اولیه در صنایع چرم سازی به دلیل فروش نرفتن محصول کارخانه تعطیل شده است! کارخانه قند و رامین به دلیل آنچه از سوی کارفرما نداشتن توجیه اقتصادی و بحران در منابع مالی عنوان می شود، به طور کامل تعطیل اعلام شده است. تاکنون بیش از ۱۷ کارخانه کاشی و سرامیک در کل کشور تعطیل شدند. کارخانه های نساجی از ابتدای سال جاری تاکنون حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد پرسنل خود را به دلایل مختلف از جمله افزایش رکود، تبعات اجرای نادرست قانون مالیات بر ارزش افزوده و ... از دست داده اند. مهم ترین مشکل فعلی واحدهای نساجی، رکود بسیار شدید در بازار است به نحوی که تا سال گذشته، واحدهای نساجی با ۳۰ درصد ظرفیت به فعالیت می پرداختند. ارج، داروگر، آزمایش، پارس الکتریک، پلی اکریل اصفهان، کاشی ایرانا، ماشین سازی تبریز، ایستک، دوچرخه سازی ایساک، قند و رامین، روغن نباتی قو، چیت سازی ری و ایران چوب تنها بخشی از کارخانه های مهم تولیدی کشور است که در دولت روحانی کرکره خود را پایین کشیدند.

این پروسه به دوره دولت روحانی اختصاص ندارد و از زمان احمدی نژاد نیز روند صعودی در تعطیلی کارخانجات و خصوصاً واحدهایی که بیش از ده نفر کارگر دارند مشاهده می شود. امری که ثابت می کند پروسه تبدیل اقتصاد تولیدی به اقتصاد مصرفی در جمهوری اسلامی و بیکاری سازی و تعدیل نیرو روندی صعودی داشته و تبدیل جامعه کارگری ایران به اقتصادی با مدل برزیل یا ونزوئلا امری محتوم خواهد بود! همانطور که گفتیم این آمارها بیشتر مربوط به بخش صنعت است که اگر بخشهای دیگر همچون؛ خدمات، بازرگانی، کشاورزی، توریست و... را به آن اضافه کنیم «خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل». در گزارش رسمی مرکز آمار ایران آمده که؛ از تعداد کارگاه های صنعتی با بیشتر از ۱۰ نفر بین سال های ۸۶ تا ۹۲ نزدیک به ۳ هزار واحد (۲۹۰۶ واحد) تعطیل و از چرخه تولید خارج شده اند. و نیز اضافه کنیم که طبق همین تاریخ؛ شمار کارخانه های متوسط و بزرگ با افت ۱۶ درصد همراه بود که به طور متوسط سالانه ۴۸۰ کارخانه تعطیل شده است. و طی همین سالها فرآیند توسعه در ۹۰ درصد بنگاه های صنعتی کشور متوقف شده، فروش کالاهای صنعتی به میزان ۷۰ درصد کاهش یافته و به صورت میانگین ۴۰ درصد مراکز صنعتی در شهرک های صنعتی تعطیل شده اند و ۲۰ درصد هم با حداقل ظرفیت کار می کنند. و در این پروسه حدود ۱۷۵۰ واحد صنعتی دچار اختلال در تولید شدند و ناگزیر، نیروی کار خود را تعدیل کردند! سال پیش رو براساس شرایطی که در کارخانجات سراسر کشور مشاهده می شود، وضعیتی بهتر از سال ۹۶ نخواهد داشت. و اینها همه ثابت می کند که چنانچه سیاستهای اقتصادی دولت و کل حاکمیت برنامه مشخصی برای بهبود وضعیت کارخانجات و ائتلافی وضع اسفبار کارگران ندارد، جنبش کارگری و فعالین کارگری می باید در مقابل بیکار سازی، تعدیل نیروی کار، معوقات حقوق و دستمزدها و تعطیلی کارخانجات، مسلح به برنامه قوی تری برای مبارزه با این وضعیت شوند تا حداقل بتوانند از ادامه این روند جلوگیری کنند. اگر چه مبارزه یک پروسه می باشد اما زمان آن فرا رسیده تا جنبش کارگری و فعالین کارگری بتوانند نقطه ای از زمان را نشانه گیری کنند تا بعنوان مرکز صقل مبارزه در مقابل وضعیت فعلی و این حجم ها ایستادگی کنند و از موقعیت «در خود» بیرون بیایند. که امید است سال ۹۷ چنین زمانی را تعریف کند.

ما به دستمزد پایین تر از خط فقر برای کارگران نه می گوئیم!

۵۳ انجمن صنفی کارگران ساختمانی؛ حقوق اولیه یک انسان یا شفاف تر بگوئیم اولیه ترین حقوق هر انسان تامین مسکن، پوشاک، دارو، بیمه، تامین تحصیل کودکان و غذا است. در جامعه ما که شعار عدالت و برابری سر لوحه آن است، هنوز کسانی هستند که از تامین این نیازهای اولیه خود محرومند. آری کارگرانی که از چتر رفاه، عدم تبعیض و عدالت محرومند. این صدای خسته کارگرانی است که خط فقر بر خط رفاه و آسودگی آنها خط بطلان کشیده است. این صدا باید شنیده شود تا دستهای از جنس خودمان برای گرفتن دستهای پینه بسته مان دراز شود. کسانی که با ما درد مشترک ندارند، کسانی که خط فقر از پایین نظاره گر آنهاست نمی توانند برای ما قانون و دست مزد تعیین کنند. بدون حضور ما بحث درباره ی سفره و دستمزد ما واهی و بیهوده است. این فریاد حق طلبی ما باید شنیده شود، باید دغدغه ی ما دیگر سفره خالیمان نباشد، باید فاصله ای بین گرفتن دست مزدمان با عرق جبینمان نباشد، باید این قشر عظیم ستم دیده را دید و صدای خسته شان را شنید. آمارها، جداول و حتی ارقام، شرم سار کارگرانی است که بی حقوق واقع شده اند. کوچکتر شدن سفره کارگران، اختلاف فاحش دستمزد کارگران با میزان خط فقر، ظلم ناروای کارفرمایان، بیمه کارگران و بازنشستگی کارگران این ها همه و همه باعث شده اند که این قشر فراتر از قبل به فکر دادخواهی خود باشند. در سال ۱۳۹۶ این سفره کوچک و کوچکتر شده کمترین میزان دست مزد در دنیا به کارگران زرخیز کشورمان رسید این در حالی است که مخارج زندگی مان در حد کشور های پیش رفته است. در آمارهای اعلام شده توسط اقتصاددانان در کشورمان که خط فقر نزدیک به ۴ میلیون تومان است، اما دستمزد کارگران خیلی پایین تر از خط فقر است. امسال فریاد بلند کارگران بیشتر از هر زمان دیگری گوش های سنگین مسولان را به لرزه در آورد است. اعتصاب و اعتراض کارگران باید منجر به زندگی با رفاه بیشتر در این جامعه برای کارگران شود. این درد دل های زخم دیده ایست که دیگر نمی خواهند با فقر، بی عدالتی، تبعیض و نابرابری دست و پنجه نرم کنند. (به زبان ساده بگوئیم اگر سری به آمار و جداول بزنیم میزان خط فقر برای یک خانوار چهار نفر نزدیک به چهار میلیون تومان است پس ما خواهان دستمزد بالاتر از خط فقر هستیم).



وابستگی تشکلهای کارگری و کارفرمایی به تصمیمات حاکمیت

وزیر بخشی از حلقه جریان سیاسی در تشکلهای کارگری است. بنابراین نقش نمایندگان کارگری در تعیین دستمزد اکثر تبعیت از دولت است. و معمولاً نظر نمایندگان تشکلهای کارفرمایی در تعیین دستمزد، نزدیک به جریان سیاسی وزارت کار هستند. وابستگی تشکلهای کارگری و کارفرمایی باعث شده تا قدرت چانهزنی چندان در برابر دولت نداشته باشند. مادامی که این نمایندگان نتوانند نظرات همکیشان خود یعنی کارگران و کارفرمایان را مدنظر نظر داشته باشند، همچنان نظرات دولت حرف اول را میزند. این در حالی است، که بر اساس استانداردهای بینالمللی، دستمزد باید حاصل چانهزنی کارگران و کارفرمایان باشد. دولت تلاش می کند تا نمایندگان کارگری و کارفرمایی را وادار به تبعیت از اصولی کند که خودش برای حقوق کارمندان پیگیری می کند. در این میان ضعف تشکلهای کارگری نیز کاملاً تاثیرگذار است. ما بعد از انقلاب نتوانسته ایم سازمانهای کارگری و کارفرمایی قوی، استاندارد و دموکراتیکی را در کشور ایجاد کنیم. در حال حاضر، تشکلهای کارگری کمتر از ۲۵ درصد کارگران کشور را نمایندگی می کنند و این ضعفی جدی است. اکثر بنگاههای بزرگ ما مانند بنگاههای وابسته به صنعت نفت، خودروسازی و فولاد، فاقد تشکلهای کارگری هستند. بیشتر بنگاههای کوچک هستند که تشکلهای کارگری دارند. این موضوع نشان می دهد که نمایندگان تشکلهای حاضر در عین حال که دارای ویژگیها و استانداردهای بینالمللی نیستند، فراگیری لازم را به لحاظ اعضا و پوشش کارگران هم در کشور ندارند. به همین دلیل نیز هست که این نمایندگان از ضعفهای جدی برای پیگیری مطالبات کارگران برخوردارند. حمید حاج اسماعیلی

کشت و صنعت نیشکر هفت تپه موقتاً تعطیل شد

پنج هزار کارگر و کارکنان نیشکر هفت تپه در انتظار حقوق معوقه و عیدی و پاداش پایان سال هستند اما روابط عمومی این شرکت خبر می دهد که کلیه بخشهای مدیریتی، اداری و زیرمجموعههای وابسته از ۱۸ اسفند تعطیل شده اند. روابط عمومی به کارگران و کارکنان قسمت های اداری، کشاورزی و صنعتی این شرکت نوشته است: با توجه به توقف بهره برداری از روز جمعه ۱۸ اسفند ماه، فقط مدیریت حراست و انتظامات این شرکت دایر خواهد بود.

کارگران قسمت های مختلف نیشکر هفت تپه، روز شنبه ۱۹ اسفند باز به محل کار آمدند و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خودشان شدند. در همین روز، سندیکای نیشکر هفت تپه نیز از برگزاری جلسه ای با حضور نمایندگان کارگران و کارفرما در فرمانداری شوش خبر داد. فرماندار شوش از کارگران خواسته به اعتصاب پایان دهند و با راه اندازی دوباره کارخانه، به کارفرما فرصت دهند تا مطالباتشان را بپردازد. رئیس اطلاعات شوش، نماینده هفت تپه را «عامل شبکه های خارج نشین» خطاب کرده و جلوی سخنرانی او را گرفته است. خاموش شدن کوره بخار و آسیاب کارخانه، روزانه خسارت سنگینی را به این شرکت بزرگ تولید شکر وارد می کند. اعتصاب کارگران و کارکنان نیشکر هفت تپه از اواسط دی ماه ۹۶ شروع شد. کارگران بخش های کشاورزی، بازرگانی، خدمات و کارگران رسمی بخش تجهیزات در اعتراض به مزد معوقه مهر ماه و معوقات مانده از سال ۹۴، از کار دست کشیدند. اعتصاب دامنه دار شد زیرا یکی از مدیران شرکت صراحتاً گفت که به خاطر وضع بد اقتصادی کشور، نمی توان بابت پرداخت مطالبات قولی داد. دستمزدهای معوقه بنا بر اعلام کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری، از دلایل اصلی اعتراضات و اعتصابات جامعه کارگری ایران است.

جزئیات عیدی کارگران برای دوازده ماه کارکرد

با توجه به حقوق و مزایای سال ۹۶ کارگران جزئیات حقوق و عیدی سال ۹۷ کارگران بدین شرح است؛ حداقل عیدی کارگران ۱ میلیون و ۸۵۰ هزار تومان و حداکثر عیدی ۲ میلیون و ۷۸۰ هزار تومان برای سال ۹۷ است. یکی از دغدغه های اصلی کارگران در پایان سال میزان پرداخت عیدی و سنوات است، که رقم آن کاملاً بسته به میزان پایه حقوق تعیین و پرداخت می شود. تمامی کارگاه های مشمول قانون کار موظف به پرداخت عیدی و سنوات به هر یک از کارگران خود می باشند، که مبنای محاسبه آن یک سال کار معادل شصت روز آخرین مزد، به عنوان عیدی و پاداش می باشد، و مبلغ پرداختی از این بابت به هر یک از کارکنان نایبستی از معادل نود روز حداقل مزد روزانه قانونی تجاوز کند. همچنین مبلغ پرداختی به کارکنانی که کمتر از یک سال در کارگاه کار کرده اند باید به مأخذ ۶۰ روز مزد و به نسبت ایام کارکرد در سال محاسبه گردد، و مبلغ پرداختی از این بابت برای هر ماه نباید از یک دوازدهم سقف تعیین شده در فوق تجاوز نماید.

پس از دو ماه بازجویی، دو زندانی امنیتی به زندان زاهدان منتقل شدند

دو تن از زندانیان سنی مذهب به نام‌های راشد بلوچ و اسحاق اسکانی که حدود ۲ ماه قبل توسط هنگ مرزی روستای پیشه در شهرستان سرباز بازداشت شده بودند طی هفته گذشته به بند ۱ زندان مرکزی زاهدان منتقل شده‌اند. راشد بلوچ، ۲۰ ساله به همراه اسحاق اسکانی، ۲۱ ساله، به اتهام اتهام علیه امنیت کشور از دو ماه پیش توسط هنگ مرزی روستای پیشه در شهرستان سرباز بازداشت شده و در این مدت ممنوع‌الملاقات بودند، از مصداق‌های اتهامی علیه این افراد کماکان اطلاعی در دست نیست. وضعیت راشد بلوچ و اسحاق اسکانی هم‌اکنون رو به بهبودی است ولی همچنان در راه رفتن دچار مشکلاتی هستند، آنها در حین بازداشت به شدت مورد ضرب و شتم و شکنجه جسمی و روانی قرار گرفته‌اند و طی مراحل بازجویی نیز به تخت معجزه بسته شده و شلاق خورده بودند. تخت معجزه یکی از شیوه‌های رایج شکنجه برای گرفتن اعتراف از زندانی بخصوص در بازداشتگاه اطلاعات زاهدان است، در این نوع شکنجه متهم رابه تخت میبندند و پرسنل اطلاعات متهم را آنقدر با کابل شلاق میزند تا فرد توان مقاومت خود را از دست بدهد. هدف از این شکنجه اجبار فرد به اعترافات علیه خود است. از جمله عبدالله قنبرزهی، محمدصابر ملک رئیسی، عبدالکریم شه بخش و نور احمد حسن زهی که تجربه حضور در بازداشتگاه اداره اطلاعات شهر زاهدان را داشتند در روایت‌های خود از وجود ابزار شکنجه موسوم به تخت معجزه در این محل و اعمال شکنجه بر خود سخن گفته بودند.

تداوم بلاتکلیفی هفت زندانی سنی مذهب در آستانه نهمین سال حبس

هفت زندانی سنی مذهب به نام‌های داوود عبداللهی، کامران شیخه، فرهاد سلیمی، انور خضری، خسرو بشارت، قاسم آبسته و ایوب کریمی که از تاریخ ۱۶ آذر ۸۸ در زندان بسر میبرند، در اسفندماه ۹۴ توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه به اعدام محکوم شدند، این حکم در دیوان عالی کشور توسط قاضی رازینی نقض شد با این حال پس از گذشت ۸ سال از حبس این زندانیان همچنان در وضعیت بلاتکلیفی بسر می‌برند. در شهریورماه سال جاری آقایان انور خضری، کامران شیخه و خسرو بشارت برای حضور در دادگاه رسیدگی مجدد به زندان ارومیه منتقل شدند، جلسه دادگاه این افراد تا لحظه تنظیم این گزارش برگزار نشده است. این زندانیان اهل سنت توسط نیروهای امنیتی به اتهاماتی نظیر اقدام علیه امنیت ملی، «تبلیغ علیه نظام»، «عضویت در گروه‌های سلفی»، «افساد فی‌الارض» و «مخاربه» متهم شده بودند، هرچند درباره جزئیات و فعالیت‌های آنان از سوی مسئولین ارگان‌های قضایی شفاف‌سازی نشده است.

مادر نادرافشاری در انتظار آزادی پسرش

مادر نادر افشاری، فعال حقوق بشر که ۱۲ بهمن ماه سال جاری در پارک دانشجوی تهران بازداشت شده است، با انتقاد از وضعیت فرزندش گفته است: روزهای زیادی من را با امید واهی بردند و آوردند. یک روز گفتند متهم هست، یک روز گفتند گردش‌کار است و متهم نیست. گفتند، کارشناسان پرونده هنوز اطلاعاتی که می‌خواهند را از نادر نگرفته‌اند. بهر حال یک مدت به امید این که شاید وثیقه قبول کنند رفتم و آمدم. نادر افشاری به همراه تعدادی از فعالین مدنی طی یک عملیات سراسری در نقاط مختلف ایران از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند، این افراد پس از بازداشت به بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات مستقر در زندان اوین منتقل و بدون دسترسی به وکیل مراحل بازجویی و بازپرسی را طی کرده‌اند. برخی از این بازداشت‌شدگان با تامین وثیقه به صورت موقت از زندان آزاد و عده‌ای از این افراد همچنان در این بند به صورت بلاتکلیف و در شرایط سخت بسر می‌برند. گزارش شده است دادرسی اوین به برخی از این افراد اتهاماتی مانند تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی را تفهیم کرده است. مریم سبزی‌پور مادر نادر افشاری در رابطه با وضعیت فرزندش گفته است: نادر را ۱۲ بهمن در پارک دانشجوی گرفته‌اند. آنها جمعه تماس گرفتند و اطلاع دادند، نادر اوین است. از روز شنبه هر روز به دادرسی اوین رفتم تا پی‌گیر سلامت پسر و علت بازداشتش باشم. آنها ۴ روز بعد از بازداشت نادر برای تفتیش منزل آمدند...

سهیل عربی در انفرادی شدت مورد ضرب و شتم وحشیانه قرار گرفت

سهیل عربی فعال سیاسی زندانی که از ۴ بهمن در اعتصاب غذا بسر می‌برد با حمله از سوی مأموران زندان با سری مجروح و در حین بیهوشی به بیمارستان خمینی تهران منتقل شد. بنا بر گزارشات رسیده سهیل عربی از روز پنجشنبه ۲۴ اسفند بدلیل ادامه اعتصاب غذای خشک توسط مأموران تیپ یک زندان تهران بزرگ به سلول انفرادی تیپ یک فرستاده شد. سهیل عربی در انفرادی شدت مورد ضرب و شتم وحشیانه قرار گرفته و در حالی که در وضعیت وخیمی قرار داشت، به بیمارستان خمینی تهران در بخش اورژانس شماره ۱ منتقل گردید. صبح امروز شنبه ۲۶ اسفند مادر وی با اصرار بسیار خواستار دیدار فرزندش شد و به بیمارستان خمینی رفت. اما مأموران بار دیگر از دیدار مادر با فرزندش در بیمارستان نیز خودداری کردند و تنها اجازه یافت که از دور سهیل را ببیند. بر طبق گزارش‌های رسیده، سهیل عربی باری دیگر و در شرایط وخیم جسمی، به زندان منتقل گردید.

رضا عچرش توسط اداره اطلاعات سپاه بازداشت شد

رضا عچرش ۳۳ ساله از اهالی شهر سوسنگرد «خفاجیه» که در مرداد ماه ۱۳۹۵ توسط اداره اطلاعات سپاه قرار گاه ابوالفضل العباس اهواز بازداشت شد. دستگاه قضایی یک زوج بهایی در شیراز را به جمعا ده سال حبس تعزیری محکوم کرده است. سعید اقبالی، بهنام موسیوند و نادر افشاری، فعالان مدنی، پس از گذشت پنج هفته علیرغم شرایط نامساعد روحی و جسمی در بند ۲۰۹ زندان اوین نگهداری می‌شود. دستکم چهار فعال دیگر از جمله سعید سیفی جهان، داریوش زند، شیما بابایی و محمود معصومی نیز همزمان با آنان بازداشت شدند که در هفته دوم اسفندماه با قرار وثیقه گشتند.

دادگاه انقلاب اهواز ۱۱ سال حبس برای یک فعال مدنی صادر کرد

رضا عچرش ۳۳ ساله از اهالی شهر سوسنگرد «خفاجیه» که در مرداد ماه ۱۳۹۵ توسط اداره اطلاعات سپاه قرار گاه ابوالفضل العباس اهواز بازداشت شده بود، توسط شعبه ۲ دادگاه انقلاب اهواز به ریاست قاضی زارع به اتهام تجسس و ارتباط با بیگانگان، ارتباط با «جنبش عربی آزادی بخش الأحواز» و تبلیغ علیه نظام به ۱۱ سال حبس محکوم شد. منابع حقوق بشری در اهواز می‌گویند این حکم چند روز پیش از سوی دادگاه به وی ابلاغ شد. حکم یازده سال حبس به عنوان حکم اولیه این فعال مدنی اعلام شد اما او حق دارد که به این حکم اعتراض کند. رضا عچرش از فعالین مدنی که فعالیتش در مخالفت با انتقال آب رود کارون و وضعیت بفرنج محیط زیست اهواز می باشد. او در برپایی زنجیره های انسانی و کمپین های اعتراضی به انتقال آب کارون فعالیت فراوانی داشته است.

کریم دحیمی فعال حقوق بشر در لندن له نفل از دوستان عچرش می گوید: «این فعال مدنی طی مدت سه ماه در بازداشتگاه اطلاعات سپاه تحت شدیدترین شکنجه قرار گرفته بود و در اثر شکنجه شدید به بیمارستان منتقل شده بود. بعد از آن او را به زندان شیبان (مجتمع حرفه‌آموزی اهواز) منتقل می‌کنند و بیش از یک سال و چند ماه در بلاتکلیفی بسر برد و از هر گونه مرخصی محروم بود. رضا عچرش از دیسک کمر و بیماری عضلانی رنج می‌برد و چندین بار درخواست کرده که او را جهت درمان به بیمارستان منتقل کنند اما مسولین زندان با درخواست وی موافقت نکردند.»

صدور حکم ده سال حبس برای یک زوج بهایی در شبراز

دستگاه قضایی یک زوج بهایی در شیراز را به جمعا ده سال حبس تعزیری محکوم کرده است. روحیه نریمان و فرزاد دلارام، زوج بهایی ساکن شیراز، به اتهامات تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروهک های غیرقانونی بهائیت هر کدام به پنج سال حبس محکوم شده اند. روحیه نریمان و فرزاد دلارام در تاریخ ۱۱ مهر ماه ۱۳۹۵ از سوی مأموران اداره اطلاعات سپاه دستگیر و منزل آنان به طور کامل مورد تفتیش قرار گرفت و پس از ۱۰ روز بازداشت با تودیع ۳۳۰ میلیون تومان وثیقه به طور موقت آزاد شدند.

تداوم بازداشت سعید اقبالی، بهنام موسیوند و نادر افشاری در بند ۲۰۹

سعید اقبالی، بهنام موسیوند و نادر افشاری، فعالان مدنی، پس از گذشت پنج هفته علیرغم شرایط نامساعد روحی و جسمی در بند ۲۰۹ زندان اوین نگهداری می‌شود. سعید اقبالی، بهنام موسیوند و نادر افشاری در پنج هفته اخیر از سوی مأموران وزارت اطلاعات مورد شکنجه و بازجویی قرار گرفته‌اند و همچنان در ۲۰۹ اوین به سر می‌برند. سعید اقبالی در شرایط این بند دچار عفونت شدید کلیه و گوش



شده است. مأموران برای وی قرص‌های خواب تجویز کرده‌اند که باعث گشته که شرایط روحی وی نامتعادل گردد. بهنام موسیوند نیز از ناراحتی قلبی رنج می‌برد و عدم دسترسی‌اش به داروهای مورد نیاز باعث نگرانی نزدیکان او شده است. نادر افشاری در روزهای اول بازداشت در اعتراض به بازداشت غیرقانونی‌اش در اعتصاب غذا به سر برده و اکنون نیازمند رسیدگی درمانی است. خانواده های این فعالان مدنی از ملاقات با آنان محروم اند و بیم آن می‌رود که نیروهای امنیتی آن‌ها را برای اعترافات دروغین تحت شکنجه های شدید قرار داده باشند. در پرونده های آنان اتهاماتی همچون «اقدام علیه امنیت کشور» و «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم» به چشم می‌خورد. این فعالین مدنی ۱۲ بهمن ماه از سوی نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت شدند. دستکم چهار فعال دیگر از جمله سعید سیفی جهان، داریوش زند، شیما بابایی و محمود معصومی نیز همزمان با این آنان بازداشت شدند که در هفته دوم اسفندماه با قرار وثیقه گشتند. سعید اقبالی نیز در سال گذشته به همراه گلرخ ایرایی از سوی مأموران سپاه ثارالله بازداشت و به زندان اوین منتقل شده بود. او پس از نخستین بازداشت چندین بار به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات احضار شد. بهنام موسیوند، فعال مدنی و زندانی سیاسی سابق، نخستین بار در پانزدهم شهریورماه سال ۱۳۹۳ در محل کار خود بازداشت و پس از مدتی با تبدیل قرار بازداشت آزاد شد. وی سپس به ۱۸ ماه حبس جدید محکوم گردید. این حکم بعدا به دو سال حبس تعزیری تغییر پیدا کرد. بهنام موسیوند ۲۴ خردادماه سال ۱۳۹۵ جهت اجرای حکم حبس خود روانه زندان شد و در خردادماه ۹۶ از زندان رجایی شهر آزاد گشت. موسیوند در پرونده ای به یک سال حبس تعلیقی محکوم گشته و این حکم هنوز اجرا نشده است.

الگوی مبارزاتی دختران خیابان انقلاب در زمان قلع و قمع تشکلات مستقل

عباس جعفری دولت‌آبادی دادستان عمومی تهران، روز چهارشنبه اعلام کرد یکی از دختران خیابان انقلاب به دو سال زندان محکوم شده است! اما نسرین ستوده می‌گوید: حکمی که دادستان اعلام کرد و طبق معمول از اعلام هویت فرد جلوگیری شد، مربوط به موکل جوانم خانم نرگس حسینی است. او فقط به خاطر اعتراض به حجاب اجباری که در مسالمت‌آمیزترین شکل ممکن و در سکوت مطلق صورت گرفته با اتهام تشویق به فساد که اتهامی همدیاف با دایر کردن خانه فساد و فحشا است به دو سال حبس محکوم شده است. اگر زنی در مرعا و منظر عام بدون حجاب شرعی ظاهر شود، مجازاتش بین ۵ تا ۵۰ هزار تومان یا بین ده تا دو ماه حبس است. نرگس حسینی چند دقیقه پس از ایستادن روی سکو بازداشت شد و بیست روز را در زندان قرچک ورامین گذراند. او حالا به قید وثیقه آزاد است.

همانطور که در رسانه‌ها آمد سن اکثریت (۸۰ درصد) افرادی که در اعتراضات دی ماه ۹۶ شرکت کردند کمتر از ۳۵ سال بود. که با توجه به عمر چهل ساله حکومت فقهاتی نسل دوم و سوم بعد از انقلاب در این اعتراضات شرکت کرده‌اند. و در ادامه میدانیم که اکثریت جوانانی که به این دو دهه تعلق دارند سواد دارند، با اینترنت، فضای مجازی و اطلاعاتی که در دنیای امروز بروی آنتن خبری قرار دارد ارتباط فکری برقرار کرده‌اند. معنی پیشرفت اجتماعی را بصورت الگوی روز و ملموس در کشورهای دنیا مشاهده و تجربه کرده‌اند. بعبارت دیگر اگر مقایسه‌ای بین وضع بد و وضع خوب در مقابل چشمان افراد جامعه وجود داشته باشد، زمینه‌ای خواهد بود تا الگوی مناسبی برای تحقق وضع خوب شکل بگیرد که این الگو تبدیل به یک آرزو و نگاه آرمانی می‌شود که انگیزه‌ای برای مقابله با حاکمیت گشته و آنان را تشویق به حضور در عرصه عمومی می‌کند تا برای رسیدن به اتوپیای خود تلاش کنند. همان آرزوی نداشته‌ای که نسل بعد از انقلاب در این حکومت از دوران طفولیت فاقد آن بودند.

متأسفانه بخش زیادی از تحلیل‌هایی که به تبیین و بررسی رویداد دی ماه انجام شد، قصد تقلیل فکری و فرهنگی نیروهای معترض را داشتند که به نظر چنین نگاهی حداقل در مورد اکثریت مردمی که در بیش از ۷۰ شهر به خیابانها آمدند، هم سنگ نیست. اگرچه فقدان تئوری منسجم، رهبری و سازماندهی از چالشهای حرکت‌های اخیر محسوب می‌شود و به ضعفهای فعالیت جمعی مربوط است، اما آگاهی فردی و انگیزه مبارزاتی و آرمانخواهی از ویژگی‌های نیروهای عملگرایی محسوب می‌گردد که بیش از یک هفته به اشغال خیابانهای کشور پرداختند.

با وجود حکمی که برایت صادر شده، اگر به عقب برگردی چه می‌کنی؟ دختر انقلاب؛ من از کارم پشیمان نیستم، از قبل هزینه‌هایم را برآورد کرده بودم. اگر بخواهم هزینه‌ها را در یک کفه ترازو بگذارم و رضایتم از این کار را در کفه دیگر بگذارم، رضایتم خیلی بالاتر از این است که بخواهم بگویم از این کار پشیمانم.

این روزها بسیاری از شما با عنوان دختران شجاع یاد می‌کنند... دختر انقلاب؛ احساس شجاعت نمی‌کنم. چون من از یکی دیگر الگو گرفته بودم. شجاعت را کس دیگری به خرج داده بود، هزینه‌های سخت قبل از ما داده شده و من کمترین هزینه را می‌پردازم. شجاعت به من تزریق شد و من از فعالیت‌های آدم‌های قبل از خودم شجاعت گرفتم، از آن‌هایی که هنوز دارند حبس می‌کشند. به عبارت دیگر من در این مسیر پیادروی می‌کنم. راستش فکر می‌کنم شجاعت را سه دختری دارند که داخل مترو سرود خواندند و برای زنان از حقوق‌شان حرف زدند. این‌که با مردم رو در رو بشوی و بگویی حق و حقوق تو این است واقعا شجاعت می‌خواهد، من اعتماد به نفس این کار را ندارم.

فکر می‌کنی کارهایی مثل حرکت دختران انقلاب چه تاثیری در جامعه دارد؟ دختر انقلاب؛ امید زیادی به جامعه تزریق می‌کند و این برایم خیلی انگیزه است. قبلا حرف زن از حجاب اختیاری قبیح شمرده می‌شد اما الان به راحتی همه درباره این موضوع حرف می‌زنند و اظهار عقیده می‌کنند. باب گفت‌وگو در این باره به خاطر تلاش‌های فعالان مدنی باز شده.

برخوردها در این چند وقت چطور بوده؟ چه باز خوردی از دیگران گرفتی؟ دختر انقلاب؛ آنقدر واکنش‌ها مثبت بود که واقعا انرژی مضاعف گرفتم. البته مطمئن بودم که از من حمایت می‌شود. اما بعد از این که آزاد شدم و بازخوردها را در فضای مجازی دیدم، شوکه شدم. واقعا ارزشمند بود و انرژی زیادی به من داد. دوست دارم این انرژی را پخش کنم و بگویم هیچ‌کس در این بازی تنها نیست. اگر قرار است حق‌ات را بگیری، مطمئن باش که تنها نیستی.

بیش از یک قرن از تجربه مبارزه جمعی و فعالیت تشکیلاتی در ایران می‌گذرد، اما هزینه این نوع مبارزه - که به توسط حکومت‌های شاه و شیخ به جریانات مستقل تحمیل شد- آنچنان زیاد بود و هست که همچنان جامعه ما فاقد احزاب مستقل از حکومت می‌باشد. شاید تقدیر مردم ایران این چنین باشد که برای رسیدن به جامعه مدنی و عبور از استبداد مذهبی لازم باشد که تلاش فعالین اجتماعی و مدنی بصورت هم‌ارض یعنی «فردی و جمعی» صورت پذیرد. جامعه‌ای که در آن فعالیت‌های فردی هم‌استا با فعالیت‌های جمعی و گروهی در عرصه عمومی عمل نمایند. و روش دختران خیابان انقلاب حتی در این شرایط که جنبش زنان (و دیگر جنبش‌های اجتماعی) برای رسیدن به مطالبات عدیده خود خصوصا در رسیدن به جامعه مدنی و تحقق برابری در حقوق انسانی- اجتماعی فاقد ابزار جمعی لازم (تشکلهای مستقل) است، منجر به ائتلافی مبارزاتی زنان در جامعه گردد.

فراخوان فعالین زن به تجمع زنان در ۸ مارس

جمعی از فعالان حقوق زنان در ایران فراخوانی برای تجمع مقابل وزارت کار در روز ۸ مارس، روز جهانی زن منتشر کرده‌اند. آخرین تجمع خیابانی در این روز در سال ۱۳۸۵ برگزار شده بود. کانالی در شبکه اجتماعی تلگرام، روز چهارشنبه ۹ اسفند (۲۸ فوریه) با نام «فراخوان تجمع ۸ مارس» آغاز به کار کرده است. در این کانال تلگرامی از زنان و مردان ایران خواسته شده تا «علیه نابرابری و برای دستیابی به شرایطی انسانی‌تر» در روز جهانی زن، پنج‌شنبه ۱۷ اسفند (۸ مارس)، مقابل وزارت کار در تهران تجمع کنند. کانال تلگرامی کانون صنفی معلمان نیز این فراخوان را منتشر کرده است. نویسندگان این فراخوان از «تمامی کارگران، معلمان، پرستاران، مربیان پیش‌دبستانی، دانشجوین، زنان خانه‌دار و از همه‌ی فعالان جنبش‌های اجتماعی» خواسته‌اند تا در این تجمع شرکت کنند.

زنان ایران سال‌هاست در چنبره‌ی انواع تبعیض‌ها و نابرابری‌ها گرفتار آمده‌اند، قوانین نابرابر در ازدواج، طلاق، ارث و ... از زنان شهروندانی درجه دو ساخته‌است. در برابر خشونت خانوادگی و آزار خیابانی از هیچ حمایت قانونی‌ای برخوردار نیستند. هر بار به بهانه‌ای حق مالکیت بر بدن‌هایشان نادیده گرفته می‌شود؛ گاه با حجاب اجباری، گاه با ایجاد محدودیت و ممنوعیت در دسترسی رایگان به وسایل پیشگیری از بارداری و ... در این فراخوان همچنین به شرایط نامناسب زنان کارگر اشاره شده و آمده است: بیش از نیمی از زنان بدون قرارداد یا با قراردادهای موقت و دستمزدهای بسیار اندک مشغول به کارند و از حداقل حقوق قانونی محروم‌اند. بخش زیادی از این کارگران غیررسمی را مهاجران تشکیل می‌دهند که در مقابل روابط بهره‌کشانه‌ی کار آسیب‌پذیرترند. زنان شاغل در بخش رسمی نیز با عدم امنیت شغلی، نظارت‌های نفس‌گیر بر پوشش و رفتار خود، محدود کردن خدمات عمومی - نظیر مهدکودک پس از بارداری - و موانع سرسخت بر سر راه پیشرفت شغلی‌شان مواجهند. این بیانیه همچنین به نرخ بالای بیکاری در میان زنان اشاره کرده که دوبرابر نرخ بیکاری مردان است و زنان تحصیل‌کرده را نیز بیش از سایر زنان در بر می‌گیرد.

نویسندگان این فراخوان سپس گفته‌اند: راه‌هایی زنان از سلطه‌ی مردسالاری، سرمایه‌داری و انواع سلطه‌های دیگر بسیار طولانی است. از همین رو، ما جمعی از فعالان جنبش زنان در ایران بار دیگر با تأکید بر حق خود در خیابان‌های شهر گرد هم می‌آییم و اعتراض خود را به نابرابری، بی‌عدالتی و شرایط نامساعد زنان به‌ویژه در بازار کار ایران فریاد می‌زنیم. این تجمع قرار است ساعت ۱۱ تا ۱۲ روز پنج‌شنبه ۱۷ اسفند (۸ مارس) مقابل وزارت کار برگزار شود. آخرین تجمع عمومی زنان در روز جهانی زن در سال ۱۳۸۵ برگزار شد. این تجمع مقابل مجلس شورای اسلامی در میدان بهارستان برگزار و به شدت از سوی نیروهای امنیتی سرکوب شد. پس از سرکوب اعتراضات مردمی در سال ۱۳۸۸ و موج گسترده دستگیری‌های پس از آن، فعالان زنان نتوانستند تجمعی برای روز جهانی زن در فضای عمومی برگزار کنند. در صورت برگزاری این تجمع، این نخستین گردهمایی زنان در این روز از سال ۱۳۸۵ به این سو خواهد بود.

سرکوب خشونت‌آمیز تجمع روز جهانی زن در تهران

بیش از ۸۰ تن از فعالان حقوق زنان و کنشگران مدنی به مناسبت روز جهانی زن مقابل وزارت کار در تهران تجمع کرده بودند که از سوی نیروهای امنیتی با خشونت بازداشت شدند؛ شماری از آنان طی دو روز اخیر آزاد و دستکم ۲۰ تن به زندان منتقل شده‌اند. تجمع بزرگداشت هشتم مارس با فراخوان گروه‌های مختلفی از فعالان زن ایرانی قرار بود ساعت ۱۱ صبح روز هفدهم اسفند روبروی وزارت کار در تهران برگزار شود. ماموران پلیس پیش از برگزاری تجمع با حضور در محل مانع شکل‌گیری تجمع شده‌اند و تعداد زیادی از کسانی را که قصد شرکت در این تجمع داشته‌اند با خشونت بازداشت کردند. در میان بازداشت‌شدگان نام تعدادی از فعالان مدنی و مدافعان حقوق زنان از جمله بنفشه جمالی، زهره اسدپور، مهرداد فلاحی، پرستو الهیاری، آزاده بهکیش، آذر گیلانی، پیمان چهارازی، علی سالم، بهار اصلانی، جواد عباسی توللی، سودابه رخس و شهلا انتصاری به چشم می‌خورد.

تعداد بازداشت‌شدگان ۸۴ نفر شامل ۵۹ زن و ۲۵ مرد اعلام شده که پس از بازداشت به بازداشتگاه‌های نیروی انتظامی منتقل شدند؛ شماری از آنان طی روز پنجشنبه و روز جمعه ۱۸ اسفند آزاد شدند اما برای دستکم ۲۰ تن قرار وثیقه تعیین شده است و گفته می‌شود که این تعداد هم اکنون زندان نگهداری می‌شوند. نان کار آزادی، حق ما برابری کار تو ستمگری، آزادی برابری عدالت جنستی و زنان کار آزادی پوشش اختیاری از جمله شعارهایی بود که در این تجمع از شرکت‌کنندگان شنیده شد. همچنین از تمامی کارگران، معلمان، پرستاران، مربیان پیش‌دبستانی، دانشجوین، زنان خانه‌دار و از همه فعالان جنبش‌های اجتماعی دعوت شده بود تا در این تجمع شرکت کنند. برگزارکنندگان تجمع هشت مارس پیش‌تر در بیانیه‌ای به شرایط نامناسب اشتغال زنان در ایران پرداخته و گفتند زنان عمدتاً و به ناچار نیروی کار مشاغل غیررسمی را تشکیل می‌دهند و با اشتغال در کارگاه‌های کوچک و یا دستفروشی و ... از حداقل‌های قانون کار نیز بی‌بهره‌اند. آنها خواهان رفع تبعیض جنسیتی در بازار کار شده و درخواست‌هایی چون دستمزد برابر با مردان، افزایش حداقل دستمزد زنان کارگر و ملزم کردن کارفرمایان بخش خصوصی به اعطای حق مرخصی زایمان به زنان و تضمین بازگشت زنان به کار پس از پایان دوره مرخصی زایمان را مطرح کردند.

نگاهی موجز به تاریخ ۸ مارس روز جهانی زن

روز بین‌المللی زنان که در گذشته روز بین‌المللی زنان کارگر نامیده می‌شد، بزرگداشتی است که هر ساله در روز ۸ مارس برگزار می‌شود. این روز، روز بزرگ برپایی جشن‌هایی برای زنان در سراسر جهان است. بسته به مناطق مختلف، تمرکز جشن بر بزرگداشت و دفاع از حقوق زنان، قدردانی، عشق به زن و برگزاری جشنی برای دستاوردهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان است. این روز در ابتدا به‌عنوان یک رویداد سیاسی سوسیالیستی در میان احزاب سوسیالیست آمریکا، آلمان و اروپای شرقی آغاز شد، اما پسین‌ترها در فرهنگ بسیاری از کشورها آمیخته شد. روز بین‌المللی زنان در برخی از مناطق، رنگ و بوی سیاسی خود را از دست داده و تبدیل به مناسبتی برای مردان شده تا عشق خود را به زنان نشان دهند و آمیزه‌ای از روز مادر و روز ولنتاین شده است. با این حال در مناطقی دیگر، اصل سیاسی و زمینه حقوق بشری که توسط سازمان ملل متحد تعیین شده، با قدرت اجرا می‌شود و آگاهی سیاسی و اجتماعی امیدوارکننده‌ای از مبارزات زنان در سراسر جهان به ارمغان می‌آورد. سازمان ملل هم از سال ۱۹۷۷ این روز را به‌عنوان روز حقوق زنان و صلح بین‌المللی به رسمیت می‌شناسد. گیاه حساس یا حساسه یا درخت گل ابریشم، نمادی از جشن روز زن در کشورهای ایتالیا و روسیه است.

اولین مراسم روز زن در تاریخ ۲۸ فوریه سال ۱۹۰۹ در نیویورک برگزار شد. این مراسم توسط حزب سوسیالیست آمریکا، برای یادبود اعتصاب «اتحادیه جهانی زنان کارگر صنایع پوشاک» در سال ۱۹۰۸ سازمان یافت. با وجود ادعاهای بعدی، اعتصاب خاصی در ۸ مارس اتفاق نیفتاده بود. در ماه اوت ۱۹۱۰، کنفرانس جهانی زنان قبل از جلسه عمومی سوسیالیست‌های بین‌الملل دوم در کپنهاگ دانمارک برگزار شد. با الهام از سوسیالیست‌های آمریکایی، لویس زیتس سوسیالیست آلمانی پیشنهاد تأسیس سالانه روز بین‌المللی زن را داد و کلارا زتکین سوسیالیست پیشرو که بعدها یک رهبر کمونیست شد از او حمایت کرد، البته در آن کنفرانس روز خاصی مشخص نشد. نمایندگان که مجموعه‌ای از ۱۰۰ زن از ۱۷ کشور بودند، با این ایده برای ترویج حقوق برابر، شامل حق رای برای زنان، موافقت کردند. سال بعد در ۱۹ مارس ۱۹۱۱ روز بین‌المللی زن برای میلیون‌ها نفر در اتریش، دانمارک، آلمان و سوئیس برای اولین بار شناخته شده بود. فقط در امپراطوری اتریش و مجارستان، ۳۰۰ تظاهرات برگزار شد. در وین، زنها در رینگ اشتراسه رژه می‌رفتند و بنرهایی به افتخار شهدای کمون پاریس حمل می‌کردند. زنان خواستار حق رای و مناصب عمومی بودند. آنها همچنین نسبت به تبعیض جنسیتی در استخدام اعتراض داشتند. آمریکایی‌ها در آخرین یکشنبه فوریه روز ملی زن را به پا داشتند.

در ۱۹۱۳ زنان روسی اولین روز جهانی زن را در آخرین شبه فوریه بر پایه گاهشماری ژولینی برپا داشتند. همچنین تا سال ۱۹۱۴، اعتصابات به رهبری زنان، راهپیمایی‌ها و تظاهرات دیگری وجود داشت که هیچ‌کدام از آنها در ۸ مارس اتفاق نیفتاد. در ۱۹۱۴ روز جهانی زنان در ۸ مارس برگزار شد، احتمالاً به این دلیل که آن روز یکشنبه بود و در حال حاضر این روز در همه کشورها در ۸ مارس برگزار می‌شود. در سال ۱۹۱۴ برگزاری روز زن در آلمان به حق رای زنان اختصاص داده شد که البته زنان آلمانی تا سال ۱۹۱۸ این حق را به دست نیاوردند. در ۸ مارس ۱۹۱۴ در لندن راهپیمایی از میدان بوتاترافالگار در حمایت از حق رای زنان برگزار شد. سیلویا پنک هرست در راه میدان ترافالگار برای سخنرانی، جلوی ایستگاه چارلز کراس دستگیر شد. در ۱۹۱۷ تظاهراتی تحت عنوان روز بین‌المللی زن در سنت پترزبورگ در آخرین پنجشنبه فوریه برپا شد که سرآغاز انقلاب فوریه بود. در این روز، زنان در سنت پترزبورگ برای «نان و صلح» در اعتصابات شرکت کردند و خواستار پایان دادن به جنگ جهانی اول، کمبود مواد غذایی روسیه و حکومت استبدادی مطلقه شدند. لئون تروتسکی می‌نویسد: «۲۳ فوریه (۸ مارس) روز بین‌المللی زن بود و جلسات و اقدامات پیش بینی شده بود ولی ما تصور نمی‌کردیم که این روز زن، انقلاب به پا می‌کند. اقدامات انقلابی پیش بینی می‌شدند اما زمان آنها مشخص نبود. برخلاف دستورها، کارگران نساجی در چندین کارخانه کارشان را رها کرده و نمایندگانشان را برای حمایت از تظاهرات فرستادند... که منجر به اعتصاب توده‌ها شد... همه به خیابان‌ها ریختند.

پس از انقلاب اکتبر انقلابی بلشویک الکساندرا کولونتای و ولادیمیر لنین، این روز را در اتحاد جماهیر شوروی مناسبتی رسمی اعلام کردند. اما تا ۱۹۶۵ یک روز غیر تعطیل بود. در ۸ می ۱۹۶۵ شورای عالی ریاست اتحاد جماهیر شوروی روز بین‌المللی زنان را یک روز تعطیل در اتحاد جماهیر شوروی اعلام کرد. روز زن در چین از سال ۱۹۲۲ و در اسپانیا از سال ۱۹۳۶ توسط کمونیست‌ها برگزار شد. پس از تأسیس جمهوری خلق چین در اول اکتبر ۱۹۴۹، در تاریخ ۲۳ دسامبر، شورای دولتی اعلام کرد که روز ۸ مارس مناسبتی رسمی است و به زنان در چین نصف روز مرخصی داده خواهد شد. در غرب، روز بین‌المللی زنان اولین بار بعد از سال ۱۹۷۷ مشاهده شد که در این تاریخ مجمع عمومی سازمان ملل دول عضو را دعوت کرد تا روز ۸ مارس را به عنوان روز سازمان ملل متحد برای حقوق زنان و صلح جهانی بنامند؛ ولی زنان اروپای شرقی که در آمریکای شمالی ساکن بودند، روز جهانی زن را دهه‌ها پیش از این برگزار می‌کردند. در طول جنگ جهانی دوم بعضی از کشورهای غربی، بر این روز به عنوان مشارکت زنان در جنگ و شکست فاشیسم تأکید کردند. النور روزولت بزرگداشت وحدت جهانی زنان را در ستون «روز من» در سال ۱۹۴۴ ستایش کرد.

درگیری بسیج و دانشجویان معترض در اعتراض به بازداشت دانشجویان اعتراضات دی ماه

دانشجویان به احکام سنگین و بازداشت همکلاسی‌های خود در اعتراضات سراسری اخیر اعتراض داشتند. تصاویری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد تعدادی از نیروهای بسیج دانشگاه امیرکبیر یا پلی‌تکنیک با دانشجویان درگیر شده‌اند. دانشجویان معترض عکس همکلاسی‌های بازداشت شده خود را در دست گرفته بودند در حالی که نیروهای بسیجی با بلندگو نوحه و سرود پخش می‌کردند. درگیری میان دو طرف بعد از لگد زدن به یکی از دختران معترض که روی سکو ایستاده بود، شدید شد. تجمع کنندگان ظهر امروز یکشنبه بیستم اسفند، در شعارهای خود از دولت حسن روحانی و وزارت علوم خواستند که با جدیت پیگیر پرونده قضایی بازداشت‌شدگان شود. دانشجویان شعار می‌دادند؛ گرانی اختلاس فتنه امروز ماست.

انتقال مرضیه امیری به زندان و تداوم بی‌خبری از وضعیت پریسا رفیعی

مرضیه امیری، دانشجوی علوم اجتماعی دانشگاه تهران و روزنامه نگار روز ۱۷ اسفندماه در پی شرکت در مراسمی به مناسب روز جهانی زن همراه با دهها تن دیگر بازداشت و پس از تکمیل مراحل بازجویی شب گذشته به زندان قرچک ورامین منتقل شده است. از سوی دیگر بازداشت پریسا رفیعی، فعال صنفی و دانشجوی هنرهای زیبا دانشگاه تهران که در تاریخ ۶ اسفندماه سال جاری بازداشت شده بود با گذشت ۱۴ روز همچنان ادامه دارد. مرضیه امیری مورخ ۱۷ اسفندماه پس از تلاش برای شرکت در تجمعی به مناسبت روز جهانی زن همراه با تعداد پرشماری از فعالان مدنی بازداشت شد. این دانشجو پس از تکمیل مراحل بازجویی شب گذشته به بند عمومی زندان قرچک ورامین منتقل شد. مرضیه امیری، فعال دانشجویی پیش از این نیز در اعتراضات سراسری موسوم به اعتراضات دی‌ماه بازداشت و به مدت سه روز تحت بازجویی قرار گرفته بود. تفهیم اتهام پریسا رفیعی در تاریخ ۱۳ اسفندماه به اتمام رسیده و برای وی قرار بازداشت موقت صادر شده است. به گفته نزدیکان خانم رفیعی، وی از زمان بازداشت تا کنون همچنان در سلول انفرادی به سر می‌برد. اجازه داده نشده وکیلش او را ببیند و وکالتنامه را به امضایش برساند؛ در جریان اتهام یا اتهاماتش قرار بگیرد و نکات لازم را یادداشت نموده و ارائه کند. حق قانونی اوست که از اولین دقایق تحت نظر قرار گرفتن و یا بازداشت شدن درخواست وکیل کند. وکیل داشته باشد و با خانواده‌اش تماس بگیرد و بازداشتش را به اطلاع خانواده برساند اما مظلومانه از این حقوق مسلم خود محروم شده و شده‌ایم. ما اعتراض شدید داریم به این روند و مانده‌ایم که شکایتمان را به کجا ببریم.

سه فعال دانشجویی در دادگاه انقلاب به ۹ سال زندان محکوم شدند

همزمان با بازداشت تعدادی از دانشجویان در روزهای گذشته، دادگاه انقلاب سه دانشجویی که پس از اعتراضات دی‌ماه بازداشت شده بودند را به ۹ سال زندان محکوم کرده است. به نقل از شوراها صنفی دانشجویان کشور، دادگاه انقلاب لیلا حسینزاده دانشجوی انسان‌شناسی دانشگاه تهران، را به شش سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم کرده است. همچنین سینا ربیعی دانشجوی علوم اجتماعی دانشگاه تهران، به یک سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت خروج از کشور، و محسن حق‌شناس دانشجوی طراحی صحنه دانشگاه تهران نیز به دو سال حبس تعزیری محکوم شده‌اند. این دانشجویان پس از اعتراضات دی‌ماه بازداشت شده بودند. اتهامات این دانشجویان تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی و اخلاق در نظم و آسایش عمومی از طریق شرکت در تجمعات غیرقانونی اعلام شده بود. پس از اعتراضات دی‌ماه وزارت اطلاعات ایران بیش از ۱۰۰ فعال صنفی دانشجویی را بازداشت کرد که اکثر آنها دانشجوی دانشگاه تهران بودند.

در همین زمینه، ۲۲ تشکل دانشجویی دانشکده‌های دانشگاه تهران روز چهارشنبه نهم اسفند در نامه‌ای خطاب به وزیر علوم خبر داده بودند که شماری از این دانشجویان اکنون دوباره به دادگاه انقلاب احضار شده و با اتهام‌های سنگینی مواجهند. بیش از ۱۵۰۰ دانشجوی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران نیز در بیانیه‌ای اعتراضی اعلام کرده بودند که نسبت به صدور احکام قضایی و تشکیل پرونده‌هایی که منجر به «هرگونه گرفتاری و محرومیت و حبس» برای دانشجویان بازداشت‌شده شود، «حساس» خواهد ماند. در سال‌های گذشته ۹۲ تشکل دانشجویی، ۸۱۳ فعال نشریات دانشجویی و هشت هزار فعال دانشجویی، در نامه‌های جداگانه‌ای به وجود جوّ ارباب و تهدید و فضای امنیتی در دانشگاه‌ها، به لغو برنامه‌های تشکل‌های دانشجویی و دخالت‌های غیرقانونی و فراقانونی در برگزاری آنها اعتراض کرده‌اند. پیشتر روزنامه جامعه‌فردا در گزارشی در روز نهم آذر، از ستاره دار شدن دست‌کم ۱۵۰ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد و دکترا در مهر ماه سال جاری خبر داده و نوشته بود که آنان با پیغام نقص در پرونده روبرو و از راهیابی به دانشگاه‌ها محروم شدند.

دستگیری برخی از دانشجویان دانشگاه تهران به اتهام اعتراضات دی ماه و دراپیش

مجید سرسنگی معاون فرهنگی دانشگاه تهران گفت: چند تن از دانشجویان بعد از اتفاقات دی ماه دستگیر شدند که البته برخی از آنها ربطی به حوادث دی ماه ندارد و این دانشجویان در جریان اتفاقات گلستان هفتم در پاسداران دستگیر شدند. تعداد دیگری از دانشجویان هم احضار شده‌اند که برای ارائه توضیحات است. چون در جریان بازجویی‌هایی که صورت می‌گیرد برخی از دانشجویان ممکن است از افرادی نام ببرند که احتمالاً افرادی که جدیداً احضار شده‌اند برای ارائه توضیحات در خصوص مسائل دی ماه است.

بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران پیرامون مطالبات صنفی

در بخشی از این بیانیه آمده که؛ در حالی که روزهای پایانی سال ۱۳۹۶ نزدیک می‌شویم که روزانه بر دامنه مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم افزوده می‌شود. اقلیتی برخوردار در امنیت و آرامش هستند و اکثریتی زحمتکش با مشکلات عدیده دست و پنجه نرم می‌کنند. شرح حال فرهنگیان بازنشسته و شاغل نیز متفاوت از وضعیت اکثریت جامعه نیست. قشری که وظیفه دارد به دور از دغدغه های گوناگون، بار آموزش و تربیت کودکان را بر دوش بکشد، امروز در تنگنای اسفناک معیشتی، اقتصادی و امنیتی گرفتار شده است... این شورا با توجه به زندگی معلمان بازنشسته و شاغل و شرایط اسفناک مدارس و آموزش، گزیده‌ای از خواسته‌ها و مطالبات خود را برای چندمین بار و به منظور بهبود اوضاع و احوال معلم و مدرسه اعلام می‌کند و انتظار دارد تا پایان فروردین ۹۷ این مطالبات برآورده شود، در غیر این صورت در اردیبهشت ۹۷ همزمان با هفته معلم با برگزاری تحصن، تجمع و... اقدامات اعتراضی قانونی را انجام خواهد داد.

۱- حقوق دستمزد: ... ما خواهان افزایش حقوق فرهنگیان بازنشسته و شاغل (رسمی، غیررسمی و دولتی، دولتی، غیردولتی) به میزان شاخص‌های رسمی اقتصادی (بالتر از خط فقر) هستیم. مابا تبعیض درآمدی بین کارکنان و مدیران دولت در نهادهای مختلف، مخالف بوده و با آن مقابله خواهیم کرد.

۲- وضعیت بازنشستگان فرهنگی: ... ما خواهان پرداخت پاداش بازنشستگی بهموقع، کامل و نقدی، بیمه فراگیر و درآمد شایسته و نظارت بر عملکرد صندوق بازنشستگی کشوری هستیم و بر همسان‌سازی حقوق بازنشستگان گرامی در هر رده سنی با شاغلان تأکید داریم.

این عزیزان در سالهای اخیر بویژه سال ۱۳۹۶ بارها به روشهای مذاکره و نامه نگاری با مسوولین، تجمع و تحصن خواسته های صنفی و قانونی خود را بیان داشته اند اما تغییری ملموس و شایسته در وضعیت آنها ایجاد نشده است... ما برای وعده های توخالی و بدون پشتوانه مسؤلان هیچ ارزشی قائل نیستیم.

۳- حق الزحمه فرهنگیان: ... ما خواهان پرداخت بهموقع حق الزحمه های مختلف هستیم. برای نمونه در سال جاری دولت دستمزد هشت ماه حق التدریس به معلمان بدهکار است. اضافه کاری و... نیز شرایط بدتر ازین دارد. در همین راستای روزهای گذشته، جمعی از معلمان در جای جای کشور از رفتن به کلاسهای اضافه تدریس خود انصراف دادند.

۴- اجرای کامل مصوبات: قانون مدیریت خدمات کشوری در سال ۸۶، طرح رتبه بندی سال ۹۴، پاداش یک ماه مرخصی، یک ماه حقوق پاداش مناطق محروم و... مصوباتیست که دولت یا از اجرای کامل آن سرباز زده و یا اجرای آنها را به بهانه کسر بودجه کنسل کرده است. ما خواهان اجرای کامل مصوبات در حوزه ی آموزش و پرورش هستیم.

۵- حقوق دانش آموزان:

الف) آموزش با کیفیت و رایگان و برابر در تمام نقاط کشور

ب) کیفیت آموزش از نظر مطالب و محتوای کتب آموزشی و تجهیزات و تکنولوژی آموزشی

ج) برچیده شدن مدارس با عناوین گوناگون ساختگی با اهداف عمدتاً پولی (تیز هوشان، نمونه دولتی، هیات امنایی، غیرانتفاعی، برون سپاری و فروش خدمات آموزشی، مجتمعی، دولتی و...)

د) تغییر رویه ی غلط تربیت شاگردان رقابتی برای گذر از آزمونهای گوناگون و درنهایت غول کنکور به دانش آموزانی اجتماعی و شهروندانی موفق و مسئولیت پذیر، گروهی محور، هم اندیش و درنهایت تربیت و ایجاد روحیه ی تعامل و آماده کردن شهروندانی خوب و آشنا به قوانین و حقوق خویش.

و) حذف نفوذ شرکت‌ها و موسسات خصوصی که همچون مافیای تبلیغات گوناگون هر روز بر دغدغه های والدین برای آماده سازی فرزندان رقابتی می افزایند و هزینه‌های گزافی را بر دوش آنها می گذارند و اهداف اصلی آموزشی و تربیتی را تحت تاثیر قرار می دهند...

ه) تجهیز و بهبود فضاهای آموزشی با استاندارد های روز دنیا. بر چیده شدن مدارس صحرائی، کپری، چادری، کانکسی، کلنگی و غیر ایمن که به هیچ عنوان شایسته شهروندان ایرانی نیست... توجه ویژه مسوولین به حوزه ی دانش آموزان با مشورت صاحب نظران و متخصصان واقعی این حوزه ها می باشد.

۶- صندوق ذخیره فرهنگیان: صد در صد سرمایه ی صندوق ذخیره متعلق به اعضاست اما تاثیرشان در روند مدیریت و سرمایه گذاری و... صفر است... شورای هماهنگی فرهنگیان چون گذشته بر حق و مطالبات خود در مورد صندوق ذخیره تأکید دارد و افراد منتخب را نماینده اکثریت اعضای صندوق نمی‌داند... هیئت انما باید گزارشی شفاف از وضعیت صندوق و فساد و سوء استفاده های آن ارائه نماید و... اکثریت هیئت انما انتخابی فرهنگیان باشند نه منصوب وزیر. سپس انتخابات شفاف و دموکراتیک برگزار شود در غیر این صورت حق اکثریت معلمان ایران و اعضای صندوق است که به این روند غاصبانه اعتراض نمایند.



دو مساله مهم که با خواسته های محوری و همیشگی شورای هماهنگی و مطالبات صنفی فرهنگیان گره خورده حق تشکل یابی و آزادی معلمان زندانی صنفی است. ما ضمن تأکید بر حق تشکل یابی مستقل و اعتراض به روند گروگان گیری مجوزهای تشکل ها از سوی دولت، بر حق و آزادی فعالیت صنفی برای تمام معلمان تأکید می کنیم و نسبت به ادامه حبس، بازداشت، احضار و محرومیت همکاران خود اعتراض داریم. احکام صادر شده و درحال اجرا را ظالمانه می دانیم و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط معلمان زندانی و رفع محرومیت و تبعید آنان هستیم. تاکنون ۱۱ استان طبق مجوز وزارت کشور و تحت نظارت مسوولین استانی، انتخابات تشکلهای صنفی استانی را برگزار کرده اند و مجوز فعالیت این تشکلهای پس از گذشت حدود دوسال هنوز صادر نشده است. هرچند که طبق قانون و حق داشتن تشکل، ما فعالیت های خود را داریم.

شورای هماهنگی فرهنگیان همچنان امیدوارست که مسوولین دولتی، امنیتی و قضایی از برخوردهای قهری با کنشگران صنفی دست کشیده و به سفارش ها و خواسته های قانونی و اصولی کنشگران و تشکلهای صنفی با دیده ی اغماض ننگرند. زندان جای تبهکاران و سوءاستفاده گران و خاطیان است. زندان و احکام ظالمانه برای معلمان کنش گر صنفی نه تنها آنان را از اهداف و خواسته های برحقشان باز نمی دارد بلکه آنها را برای رسیدن به مطالبات مصمم تر میسازد. شورای هماهنگی فرهنگیان به جد پیگیر آزادی معلمان صنفی زندانی می باشد و برحق تشکل یابی صنفی فرهنگیان همچون گذشته مصر است.

موارد فوق بخشی از مطالبات بر جای مانده و محقق نشده معلمان ایران است. از نظر شورای هماهنگی این مطالبات قابلیت تحقق دارند. شورای هماهنگی از مهرماه در قالب بیانیه، دیدار و نامه نگاری و تجمع سعی کرده است که مطالبه افزایش بودجه آموزش و پرورش (کمپین بودجه عادلانه) را به عنوان یک خواسته ی جدی معلمان طرح نماید تا مسوولان دولتی و نمایندگان مجلس هیچ بهانه ای برای رد آن نداشته باشند.

از نظر شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان اسفند آخرین فرصت برای زمینه سازی، اجرا و تحقق مطالبات فوق از سوی مسوولان است در صورتی که خواسته های ما محقق نگردد یا وزیر و گروه تبلیغاتی وی بخواهد با هیاهوی رسانه ای مطالبات و معوقات را وارونه جلوه داده و تن به مطالبات ندهند و مجلس بودجه ضروری برای تحقق مطالبات را تصویب ننماید، شورای هماهنگی به صورت سراسری، به برگزاری برنامه های اعتراضی در قالب تحصن و تجمع در هفته معلم اقدام خواهد نمود و اگر این بی توجهی چون گذشته ادامه یابد و با تهدید و برخوردهای قهری و زندانی کردن کنشگران بخواهند مطالبات برحق ما را تحت تاثیر قرار دهند حتی از برگزاری امتحانات پایان سال سرباز خواهیم زد تا با این روشها صدای حق طلبی سالیان نشنیده ی خویش را به گوش مسوولان و جامعه برسانیم.

تاریخ و مکان اعتراضات طی بیانیه های بعدی به اطلاع همکاران عزیز بازنشسته و شاغل خواهد رسید.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

بازداشت محمد حبیبی را قویا محکوم می کنیم

اتحادیه آزاد کارگران ایران؛ با گذشت یک هفته از بازداشت محمد حبیبی عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان که توام با ضرب شتم صورت گرفته بود هنوز از محل نگهداری این معلم آزادیخواه خبری در دست نیست و علت بازداشت او اعلام نشده است. بازداشت محمد حبیبی با استفاده از گاز فلفل و توام با ضرب و شتم در مقابل چشمان دانش آموزان و خانواده اش و بکارگیری سیاست عدم اطلاع رسانی از محل نگهداری این معلم آزاده، بیانگر توسل حکومتگران و نهادهای امنیتی به خشن ترین شکلی از سرکوب و دستگیری معلمان کشور برای مقابله با موج عظیم عدالت طلبی و آزادیخواهی آنان است. در کشوری که با داشتن عظیم ترین منابع زیرزمینی نفت و گاز، دانش آموزانش در کانکس و کپر مشغول تحصیل اند و معلمانش برای گذران زندگی بناچار عهده دار سرویسهای ایاب و ذهاب دانش آموزانند و هر ساله صدها هزار کودک و نوجوان از ادامه تحصیل باز می مانند و فارغ التحصیلانش به بردگی گرفته میشوند کاملاً روشن است که فریاد تحول خواهی معلمان چون حبیبی ها و عبدیها و بهشتی ها تحمل نشود و آنان با وحشیانه ترین شکلی توسط سرکوبگران بازداشت و زندانی بشوند. اما در سوی دیگر بکارگیری ابزار سرکوب از سوی حکومتگران برای به تمکین واداشتن ما کارگران، معلمان و عموم توده های زحمتکش مردم ایران، واقعیت سرسخت و عظیمی در حال خود نمائی است و آن عدم توقف سیل خروشان اعتراضات کارگران، معلمان، بازنشستگان و عموم مردم ایران در جای جای کشور است که بی تردید در صورت تداوم سیاست سرکوب و عدم پایان دادن به شرایط مشقت بار موجود، بار دیگر و بسرعت، سراسر کشور صحنه خیزشهای زیر و رو کننده ای خواهد شد. اتحادیه آزاد کارگران ایران همدوش با معلمان کشور بازداشت محمد حبیبی را قویا محکوم میکند و با اعلام همبستگی با آنان در مبارزه عدالت طلبانه و آزادیخواهانه ای که به پیش می برند خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط محمد حبیبی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی لنگرودی و دیگر زندانیان آزادیخواه و محاکمه مامورینی است که به خود جرئت داده و محمد حبیبی را در مقابل چشمان دانش آموزان و خانواده اش مورد ضرب و شتم قرار داده اند.